

مفهوم جرائم تجاری و بایسته‌های سیاست تقنینی در قبال آنها در حقوق ایران

محسن قجاوند*

نوع مقاله: علمی	تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۳/۲۴	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۲	شماره صفحه: ۶۵-۳۵
-----------------	-------------------------	-----------------------	-------------------

جرم‌انگاری رفتارهای برهم‌زننده سلامت فرایند تجارت و تضییع‌کننده منافع اشخاص درگیر در آن همواره در نظام‌های حقوقی به‌عنوان یکی از راهکارهای کنترل تجارت مدنظر بوده است. با اینکه در حقوق ایران ضرورت توسل به راهکار مذکور مورد توجه قانونگذار قرار داشته، اما سیاست تقنینی منسجم و منطبق با استانداردهای نوین حقوق کیفری در این باره اتخاذ نشده است. کاستی مورد اشاره از ابتدا با شفاف نبودن مفهوم و مصادیق جرائم تجاری آشکار می‌شود به‌گونه‌ای که تفکیک جرائم مذکور از مفاهیمی همچون جرائم اقتصادی به‌عنوان چالشی قابل توجه جلوه می‌کند. تفاوت‌های جرم‌شناختی، کیفرشناختی و حقوقی این دو دسته از جرائم تا آنجاست که در گام نخست شفاف‌سازی مفهوم و مصادیق هر یک از آنها در قانون ضروری به نظر می‌رسد. متعاقب این امر سیاست تقنینی مرتبط با جرائم تجاری نیازمند توجه به اصول و قواعدی است که بی‌اعتنایی به آنها کارایی و اثرگذاری قوانین مصوب در این باره را به شدت کاهش می‌دهد. در نوشتار حاضر ضمن استقراء از قوانین متفرقه به این نتیجه رهنمون شدیم که جرائم تجاری از جهت مفهوم و مصادیق به قرینه تقابلی از جرائم اقتصادی قابل تفکیک بوده و از این رو تعریف و چارچوب آنها را با توسل به قرینه تقابلی بیان کردیم. سپس مهمترین اصول بایسته سیاست تقنینی پیرامون جرائم تجاری همچون ضرورت و واقع‌گرایی در جرم‌انگاری، تدوین قانون یکپارچه به روزرسانی مستمر کیفرهای قانونی و بهره‌مندی از حقوق تنظیمی اقتصادی را تحلیل و پیشنهاد خود را مبنی بر ضرورت تدوین قانونی یکپارچه و دربردارنده تمامی مصادیق آنها را با لحاظ به روزرسانی عناوین کیفری ارائه کردیم.

کلیدواژه‌ها: حقوق تنظیمی اقتصادی؛ شفاف‌سازی تقنینی؛ قانونگذاری یکپارچه؛ واقع‌گرایی در جرم‌انگاری؛
به روزرسانی قوانین

* دانش‌آموخته دکترای حقوق خصوصی، دانشگاه اصفهان؛

Email : ghovavandonlaw@gmail.com

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست‌وهشتم، شماره یکصد و هشتاد و هشتم، زمستان ۱۴۰۰

doi: 10.22034/MR.2021.4097.4088

مقدمه

امروزه «اصل آزادی تجارت»^۱ به عنوان ضرورتی غیرقابل انکار در نظام‌های حقوقی مدرن به رسمیت شناخته شده و شالوده نظام‌های تجاری و اقتصادی را تشکیل می‌دهد. از این رو ایجاد هرگونه مانع غیرضروری در برابر جریان آزاد تجارت امری غیرقابل قبول محسوب می‌شود. با این حال تضمین اجرای صحیح اصل مورد اشاره نیازمند توسل به راهکارهای متنوعی است تا اهداف تجارت آزاد همچون حراست از رقابت آزاد و جلوگیری از انحصار و ایجاد وضعیت مسلط اقتصادی، تضمین حقوق مصرف‌کنندگان و تحقق پارامترهای کلان اقتصادی همچون رشد و توسعه و افزایش سطح رفاه اقتصادی و اجتماعی حاصل شود. از این میان راهکار توسل به حقوق کیفری از طریق جرم‌انگاری اقدامات زیان‌بار و مخل آزادی و سلامت تجارت در بیشتر نظام‌های حقوقی همواره مورد توجه قرار داشته است. راهکار مورد اشاره که می‌توان از آن به «حقوق کیفری تجاری»^۲ یاد کرد درصد بهره‌مندی از اصول و راهکارهای حقوق کیفری همچون توسل به جرم‌انگاری برخی اقدامات آسیب‌زا و تدارک واکنش قانونی در قبال این اقدامات به منظور تنظیم روابط تجاری سالم و حراست از اصل آزادی تجارت است. با این حال بهره‌گیری از اصول و ابزارهای حقوق کیفری در رابطه با تخلفات تجاری نیازمند در نظر گرفتن الزامات و بایسته‌های متعددی است که غفلت از آنها می‌تواند میزان توفیق در دستیابی به اهداف مورد اشاره را به شدت کاهش داده و حتی در برخی موارد کارایی این راهکار را به صفر برساند. از این رو بهره‌مندی از مزایا و کارکردهای حقوق کیفری تجاری نیازمند اتخاذ سیاست تقنینی تأثیرگذار و کاربردی است. اهمیت سیاست تقنینی در این باره از آنجا ناشی می‌شود که اتخاذ هرگونه تدبیر و یا راهکار در مقابله با جرائم و تخلفات در حقوق کیفری مستلزم پیش‌بینی قانونگذار و رعایت «اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها»^۳ است. مشخص است که اتخاذ هرگونه تدابیر در جهت مبارزه با جرائم تجاری مشروط به برخورداری از سیاست تقنینی و مقررات روزآمد و مبتنی بر دستاوردهای علمی در حوزه‌های جرم‌شناختی، تجاری و اقتصادی و حقوق کیفری

1. Liberty of Trade / Freedom of Free Enterprise

2. Commercial Criminal Law

موضوعه بوده و چشم‌پوشی از این مهم نتیجه‌ای جز ناکامی در تنظیم جریان تجارت آزاد و سالم نخواهد داشت.

جایگاه جرائم تجاری در نظام حقوقی کشورمان از ابتدای تشکیل نهادهای قانونی تاکنون، همواره با ابهامات و پیچیدگی‌های فراوانی همراه بوده است به‌گونه‌ای که قوانین موضوعه به نحوی پراکنده و گاه به دور از اصول حاکم بر حقوق کیفری نوین در مقام جرم‌انگاری برخی اقدامات مخل به تجارت آزاد و سالم و پاسخ به آنها برآمده‌اند. نتیجه این رویکرد چیزی جز تزلزل جایگاه قانونی و ناکارایی سیاست مبارزه با جرائم تجاری نبوده است. ابهام و تزلزل به حدی واضح است که با کنکاش در قوانین و آثار حقوقی به سادگی می‌توان به آن پی برد. در اولین گام می‌توان به تعریف و قلمرو جرائم تجاری در حقوق ایران اشاره کرد به این ترتیب که نه تنها تعریف مشخصی از این‌گونه جرائم، چارچوب و مصادیق آن عرضه نشده بلکه با بروز تحولات تقنینی جدید همچون شناسایی قانونی «جرائم اقتصادی»^۱ و عدم تفکیک آنها از جرائم تجاری بر تزلزل و ابهام افزوده شده است. افزون بر این مقررات موجود در قوانین کنونی به نحوی پراکنده و به دور از هرگونه شفافیت به جرائم تجاری پرداخته و در بسیاری موارد در تضاد با اصول نوین حقوقی و جرم‌شناختی پیرامون جرم‌انگاری همچون اکتفای به ضرورت در جرم‌انگاری، ابهام‌زدایی از مقررات، به‌روزرسانی مداوم و یکپارچگی و انسجام قوانین کیفری است. وضعیت نابسامان ناشی از فقدان سیاست تقنینی کارآمد موجب شده است که نظام حقوقی و قضایی کشورمان در مسیر مقابله با جرائم تجاری به توفیق چندانی دست نیابد که همین امر باعث تحمیل زیان‌های اقتصادی و اجتماعی فراوانی بر کشورمان شده است. از این‌رو در نوشتار حاضر درصددیم که با بهره‌گیری از روش تحلیلی - توصیفی در ابتدا ضمن بیان تعریف و مفهومی شفاف از جرائم تجاری به تفکیک آنها از جرائم اقتصادی پرداخته و سپس با توجه به قوانین بالادستی حقوقی و کنکاش در قوانین پراکنده موجود، بایسته‌ها و الزامات سیاست

تقنینی کارآمد در قبال این‌گونه جرائم را تحلیل و در پایان پیشنهادهای مقتضی را بیان کنیم.^۱

۱. مفهوم جرائم تجاری در حقوق ایران

پیشینه جرائم تجاری در کشورمان به طور دقیق مشخص نبوده و معلوم نیست که از چه زمانی رفتارهای ارتكابی آسیب‌زا در حوزه تجارت مورد نكوهش و مجازات قرار گرفته‌اند. حقیقت آن است که از زمان پیدایش انسان و نیاز جوامع انسانی به انجام دادوستد و تجارت، رفتارهای تقلب‌آمیز و برخلاف اخلاق و عادات و هنجارهای اجتماعی مربوط به تجارت قابل مشاهده بوده است. پرواضح است که به دلیل سادگی روابط تجاری میان اشخاص و جوامع، ساختار رفتارهای ارتكابی مزبور نیز چندان پیچیده نبوده و به موضوعات ساده‌ای همچون گران‌فروشی، کم‌فروشی و اعمال حیله و تقلب در کیفیت موضوع تجارت محدود می‌شد. کنکاش در اسناد تاریخی و ادبی کشور نشان می‌دهد که جرائم ارتكابی از سوی بازاریان و تجار محدود به رفتارهای مورد اشاره بوده و همواره نیز مورد نكوهش اربابان فضل و خرد قرار داشته است. نكوهش رفتارهای تقلب‌آمیز بازاریان و تجار در متون نظم و نثر

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. درباره پیشینه موضوع پژوهش در ایران باید خاطر نشان کنیم که به‌رغم پژوهش‌ها و آثار علمی ارزنده فراوان در سال‌های اخیر در خصوص جرائم اقتصادی، پژوهش مستقلی در مورد جرائم تجاری مشاهده نمی‌شود. عمده آثار موجود محدود به برخی آثار مربوط به حقوق تجارت بوده که به اختصار و بدون بیان هرگونه تعریفی از جرائم موصوف به شرح مختصری از برخی مواد قانونی مرتبط با جرائم تجاری در قانون تجارت پرداخته‌اند که با وجود ارزنده بودن فاقد هرگونه رویکرد کلان و مبتنی بر آموزه‌های حقوق کیفری و سیاست تقنینی است. برای نمونه می‌توان به این آثار اشاره کرد: اسکینی، ربیعا (۱۳۸۷). حقوق تجارت، شرکت‌های تجاری، جلد دوم، چاپ دهم، تهران، انتشارات سمت؛ ستوده تهرانی، حسن (۱۳۹۴). حقوق تجارت، جلد اول، چاپ ۳۵، تهران، نشر دادگستر و نیز دمرچیلی، محمد و دیگران (۱۳۸۹). قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی، چاپ دوازدهم، تهران، انتشارات دادستان. از سوی دیگر در برخی آثار مربوط به حقوق کیفری اختصاصی نیز به اختصار و با اتخاذ رویکردی جزئی و محدود به برخی از جرائم مربوط به شرکت‌های تجاری در قانون تجارت پرداخته شده است. برای نمونه ر.ک: میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۸۷). حقوق کیفری اختصاصی، جرائم علیه اموال و مالکیت، چاپ ۲۲، تهران، نشر میزان.

فارسی به وفور قابل مشاهده است و آثار بسیاری را شامل می‌شود که نشان دهنده اهمیت توجه به جرائم تجاری و ضرورت مقابله با آنهاست.^۱

به تدریج و با شکل‌گیری نظام‌های اقتصادی و تجاری نوین و به موازات افزایش حجم و پیچیدگی ساختار تجارت بر تنوع و ارقام رفتارهای مجرمانه تجاری افزوده و اهمیت این‌گونه جرائم بیش از پیش نمایان شد (دهقان دهنوی و کهزادی، ۱۳۹۴: ۶۱). ایجاد شخصیت‌های حقوقی تجاری (شرکت‌های تجاری) در دو قرن گذشته و افزایش روزافزون مداخله آنان در انجام معاملات تجاری و پیچیدگی ساختاری فعالیت‌های آنها موجب شکل‌گیری رفتارهای متنوع و جدیدی در زمینه ارتکاب جرائم و ایجاد دسته‌بندی نوینی از جرائم از سوی حقوق دانان و جرم‌شناسان با عنوان «جرائم شرکت‌های تجاری»^۲ شد (Sikman, 2013: 8). بر این اساس رفتارهای مجرمانه در زمینه تجارت بیشتر از لحاظ شرکت‌های تجاری مورد توجه قرار گرفته و بیشتر جرائم ارتكابی حوزه مدنظر در این قالب تحلیل شده است. پس از مدتی کاستی دیدگاه فوق با توجه به افزایش ظرفیت و زمینه تجاری کشورها و جهانی شدن تجارت نمایان شد. بروز تحولات تجاری، ابداع و کشف حوزه‌های تجاری نوین همچون تجارت الکترونیکی، حقوق مالکیت فکری و تجاری‌سازی آن موجب شد که انجام تجارت با محدودیت‌های کمتری برای بسیاری از اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی فراهم شود و به تبع آن ارتکاب اعمال مجرمانه پیرامون حوزه‌های نوین تجاری، تنوع و تکثر بیشتری یابد. امروزه محدود کردن جرائم تجاری به جرائم ارتكابی در شرکت‌های تجاری برخلاف واقعیت‌های موجود به نظر می‌رسد.

۱. برای نمونه می‌توان به ابیات زیر از انوری ابیوردی شاعر پرآوازه قرن ششم هجری که در مذمت برخی بازاریان و تجار مزور و متقلب سروده شده اشاره کرد:

روزری پسری با پدر خویش چنین گفت	کان مردک بازاری از آن زرق چه جوید
بازار یکی مزرعه تخم فساد است	ز آن تخم در آن خاک چه پاشی که چه روید
قولی نبود راست‌تر از قول شهادت	ز آن در همه بازار یکی راست نگوید (حلبی، ۱۳۷۷: ۵۵).

در جایی دیگر عبید زاکانی در مذمت دلان آنان را این‌گونه توصیف می‌کند: «شیطان را پرسیدند کدام طایفه را دوست‌تر داری؟ گفت: دلان را. گفتند چرا؟ گفت: از بهر آنکه من به سخن دروغ از ایشان خرسند بودم، ایشان سوگند دروغ نیز بدان افزودند» (زاکانی، ۱۳۸۷: ۱۶۷).

در کنار وضعیت نامشخص سیاست تقنینی در قبال جرائم تجاری، مطرح‌سازی مفهوم جرائم اقتصادی از سوی جرم‌شناسان و سپس حقوق‌دانان و ورود مصداقی و مفهومی آن به مجموعه قوانین کیفری کشورمان بر ابهامات پیش‌گفته به شدت افزوده است؛ به‌گونه‌ای که علاوه بر لزوم ارائه تعریفی بایسته از جرائم تجاری، تفکیک آنها از جرائم اقتصادی نیز به‌عنوان معضلی پیچیده باید مورد توجه قرار گیرد. جالب آن است که قانونگذار کشورمان در قبال جرائم اقتصادی در رویکردی نه چندان شفاف، ضمن بیان تعریف مصداقی از آنها به شدت منفعلانه عمل کرده و به ابهامات و تردیدهای بسیاری دامن زده است (بهره‌مند، ۱۳۹۷: ۶۷). از این رو بایسته است که در ابتدا مفهوم جرائم تجاری تبیین شود و سپس تفکیک آنها از جرائم اقتصادی و آثار برآمده از آن مدنظر قرار گیرد.

بررسی قوانین متفرقه در نظام حقوقی ایران نشان می‌دهد که همزمان با تدوین قوانین تجاری و غیرتجاری از سوی مراجع قانونگذار، جرائم مرتبط با این قوانین نیز مدنظر قرار گرفته و تخلف از الزامات و تکالیف تجاری با عنوان جرم توصیف شده‌اند. مهمترین مصادیق غیرحصری قوانین متضمن جرائم تجاری در ایران عبارتند از:

۱. قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ (مباحث مربوط به شرکت‌های تجاری، اسناد تجاری و ورشکستگی)،
 ۲. لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ (درباره شرکت‌های سهامی، بخش یازدهم، مواد (۲۴۳ الی ۲۶۹))،
 ۳. قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵ و اصلاحات بعدی (جرائم صدور چک بلامحل و صدور چک از حساب مسدود)،
 ۴. قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲ (باب چهارم، مواد (۶۴ الی ۷۷))،
 ۵. قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸ (فصل پنجم، مواد (۱۸ الی ۲۲))،
 ۶. قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴ (فصل ششم، مواد (۴۶ الی ۵۲)).
- با این حال در هیچ‌یک از قوانین مورد اشاره تعریفی از جرائم تجاری نیامده و تنها مصادیقی از آنها جرم‌انگاری شده‌اند. این در حالی است که شناخت هر پدیده حقوقی و آثار مترتب بر آن در گرو شناخت مفهومی شفاف از آن است. مشخص است که اتخاذ سیاست کیفری متناسب در هر نظام حقوقی مستلزم شفافیت سیاست کیفری و تبیین اصول حاکم

بر آن سیاست است. در حالی که به دلیل نبود رویکرد منسجم تقنینی در قبال جرائم تجاری در کشورمان، شناخت مفهوم و حدود قلمرو آنها به غایت دشوار شده و همین امر اتخاذ هرگونه تدابیر نظام‌مند در مسیر مقابله با آنها را غیرممکن کرده است. تصویب انبوهی از قوانین متفرقه تجاری و جرم‌انگاری‌های پراکنده از سوی مراجع قانونگذار نیز روز به روز بر این ابهام و سردرگمی افزوده است. به رغم عدم بیان هرگونه تعریفی از جرائم تجاری در حقوق ایران، از بررسی مصادیق متعدد در قوانین پراکنده موجود می‌توان اوصافی چند از این جرائم را استخراج و از تجمیع آنها به بیان تعریف معینی از جرائم تجاری پرداخت.

بیان تعریف جرائم تجاری براساس دو معیار ایجابی و سلبی انجام می‌شود. براساس معیار ایجابی، رفتارهای مجرمانه‌ای که در روابط تجاری میان اشخاص صورت پذیرفته و منافع تجاری بزه‌دیده اعم از اعتبار، حیثیت تجاری و دارایی (مال التجاره) وی را مخدوش کنند، می‌توانند به عنوان جرم تجاری شناخته شوند. علاوه بر این براساس معیار سلبی نیز رفتارهای ارتكابی نباید در زمره جرائم اقتصادی باشند که به نحو مصداقی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و سایر قوانین متفرقه همچون قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ تعیین شده‌اند. جرائم ذکر شده از آن جهت مورد توجه قانونگذار قرار می‌گیرند که کلیت و انسجام نظام اقتصادی کشور و نه منافع اشخاص معین را هدف قرار داده و به آن آسیب وارد می‌کنند. این در حالی است که در جرائم تجاری حمایت از منافع تجاری اشخاص معین مدنظر بوده و تجارت و دادوستد به عنوان بستر ارتکاب جرم مورد استفاده قرار گرفته است. نکته مهم در رابطه با دو معیار مورد اشاره این است که در تشخیص مصادیق جرائم تجاری باید هر دو معیار وجود داشته باشد و بودن یکی از آنها جهت ائتلاف جرم به وصف تجاری کفایت نمی‌کند. بالحاظ معیارهای دوگانه فوق و استقراء از قوانین متفرقه پیش‌گفته می‌توان جرائم تجاری را عبارت از رفتارهایی دانست که در بستر تجارت و غالباً از سوی تاجر و بازرگانان و اشخاص مرتبط با آنها برخلاف منافع مشروع سایر اشخاص معین (اعم از تاجر و غیرتاجر) و نه کلیت نظام اقتصادی ارتکاب یافته و از سوی قانونگذار به عنوان جرم به رسمیت شناخته شده‌اند. شایان ذکر است که بیان تعریف فوق به منظور شناسایی معیارهای تشخیص مصادیق جرائم تجاری صورت گرفته و از استقراء از قوانین متفرقه جزایی

و بالحاظ اصول حاکم بر حقوق تجارت قابل استنباط است. چنان که ملاحظه می شود تعریف مزبور واجد اوصافی سه گانه است که در ادامه به تحلیل هر یک می پردازیم.

نخستین مورد از اوصاف جرائم تجاری را باید عبارت از «ارتکاب جرم در بستر روابط تجاری» دانست. به طور سنتی، روابط تجاری به عنوان شاخه ای از روابط برآمده از حقوق خصوصی مورد توجه بوده که به قصد کسب منفعت و سود میان اشخاص برقرار می شوند (اسکینی، ۱۳۹۲: ۵۷). از این رو معاملات و دادوستدهای دولتی و سایر اشخاص حقوقی عمومی همچون شهرداری ها از شمول آن خارج بوده و باید در چارچوب حقوق عمومی و زیرشاخه های آن همچون حقوق اداری و حقوق مالیه بررسی شوند. بنابراین هرگاه در خلال روابط مالی دولت با اشخاص اعم از عمومی و خصوصی جرمی ارتکاب یابد، به دلیل حضور دولت در آنها باید جرم ارتكابی را از شمول جرائم تجاری خارج دانست.

همچنین جرائم تجاری را باید از بسیاری جرائم ارتكابی در حوزه حقوق خصوصی مستقل دانست. توضیح آنکه به رغم تعلق روابط تجاری به شاخه حقوق خصوصی، نمی توان ارتکاب هر جرمی را در این شاخه حقوقی به عنوان مصداقی از جرائم تجاری قلمداد کرد. چنان که بر صاحب نظران آشکار است بسیاری از روابط در حقوق خصوصی میان اشخاص از نوع روابط مدنی است که در چارچوب آنها، اشخاص روابط خود را به عنوان شهروندان یک جامعه و در راستای روابط اجتماعی خود با یکدیگر تنظیم کرده و برخلاف روابط تجاری، هدفی غیر از کسب سود و منفعت را از ایجاد آن روابط دنبال می کنند. برای نمونه هرگاه شخصی در روابط مالی خود با همسرش مرتکب جرمی شود نمی توان در چنین حالتی سخن از ارتکاب جرائم تجاری به میان آورد؛ هر چند که ارتکاب آن جرم روابط مالی زوجین را تحت تأثیر قرار دهد. به عنوان مثال می توان به ارتکاب بزه معامله به قصد فرار از دین از سوی شوهر و به منظور فرار از تأدیه مهریه زوجه اشاره کرد که با وجود داشتن جنبه مالی در روابط حقوق خصوصی آنان به دلیل عدم ارتکاب آن در بستر تجارت از شمول جرائم تجاری خارج می شود (قجاوند و شیرزاد، ۱۳۹۹: ۱۴۰). بنابراین ارتکاب جرائم تجاری باید در حوزه تجارت و خارج از معاملات دولتی و مدنی انجام شود در غیر این صورت نمی توان جرائم ارتكابی را داخل در قلمرو جرائم تجاری دانست.

دومین مورد از اوصاف جرائم تجاری را باید ارتکاب جرم از سوی تجار و بازرگانان و اشخاص مرتبط با ایشان همچون خدمه و کارگران تاجر دانست. نکته قابل توجه آن است که ارتکاب هر جرمی در بستر تجارت به تنهایی نمی‌تواند موجب تحقق جرم تجاری شود، بلکه مرتکب آن جرم باید از تجار یا اشخاص وابسته به وی بوده و ارتکاب جرم را در راستای منافع تجاری خود انجام داده باشد. برای نمونه ارتکاب جرم ورشکستگی به تقصیر و یا به تقلب را نمی‌توان از اشخاص غیر تاجر انتظار داشت و چنان‌که از مقررات قانون تجارت در رابطه با ورشکستگی برمی‌آید برای اثبات تحقق جرم مورد اشاره نخست باید وصف تاجر بودن متهم را احراز کرد؛ در غیر این صورت تحقق جرم ورشکستگی غیر ممکن است (رحمانی، ۱۳۹۳: ۱۱۶). همچنین می‌توان به جرائم ارتكابی علیه اطلاعات نهانی در بازار اوراق بهادار اشاره کرد. آنچه از ماده (۴۶) قانون یاد شده درباره جرائم علیه اطلاعات پنهانی برمی‌آید آن است که ارتکاب جرائم مذکور تنها از سوی اشخاص خاصی همچون مدیران و سهامداران اشخاص حقوقی فعال در بازار اوراق بهادار و برخی اشخاص مرتبط با آنها متصور بوده و قانونگذار با توجه به عدم دخالت سایر اشخاص در امر معاملات راجع به اوراق بهادار تحقق جرائم علیه اطلاعات نهانی را غیرممکن می‌داند (زرگر، ۱۳۹۷: ۲۲۰). بنابراین با توجه به لزوم احراز فعالیت بورسی مرتکب جرائم مذکور به عنوان مصادیقی از اشخاص تاجر و ارتکاب جرائم مورد اشاره در بستر تجارت می‌توان جرائم علیه اطلاعات نهانی در بازار اوراق بهادار را مصداقی از جرائم تجاری قلمداد کرد.

نکته مهم در این باره این است که مقصود از لزوم تاجر بودن مرتکب جرم تمامی مصادیق اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی بوده و محدودسازی شخص مرتکب به یکی از انواع مذکور فاقد هرگونه توجیه است. بنابراین تمامی انواع شرکت‌های تجاری را باید به عنوان مرتکبین بالقوه جرائم تجاری به شمار آورد زیرا قانونگذار کلیه مصادیق آنها را واجد شخصیت حقوقی دانسته و حکم به تاجر بودن آنها داده است. توضیح آنکه قانونگذار به موجب ماده (۲۰) قانون تجارت ۱۳۱۱ مصادیق شرکت‌های تجاری را برشمرده و تمامی آنها را واجد شخصیت حقوقی اعلام کرده است. ماده (۵۸۳) همان قانون مقرر می‌دارد: «کلیه شرکت‌های تجاری مذکور در این قانون شخصیت حقوقی دارند». یکی از نتایج پذیرش شخصیت

حقوقی برای اشخاص عبارت از شناسایی مسئولیت کیفری برای ایشان است. از این رو تفاوتی نمی‌کند که مرتکب جرم از اشخاص حقیقی بوده و یا ارتکاب جرم از سوی اشخاص حقوقی انجام شده باشد. پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می‌تواند مهر تأییدی بر این مدعا باشد. در همین راستا ماده (۱۴۳) قانون ذکر شده در این باره مقرر می‌دارد: «در مسئولیت کیفری اصل بر مسئولیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود. مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع مسئولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست». به نظر می‌رسد با توجه به تحولات به عمل آمده و اتصاف شرکت‌های تجاری به وصف تاجر حقوقی در قانون تجارت می‌توان با احراز شرایط مذکور در ماده (۱۴۳) قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ حکم به مسئولیت کیفری شرکت‌های تجاری در صورت ارتکاب جرائم تجاری داد. از این رو مرتکب جرائم تجاری را باید اعم از تاجر حقیقی و حقوقی (شرکت‌های تجاری) دانست.

سومین مورد از اوصاف جرائم تجاری را باید عبارت از «وجود بزه دیده معین» در فرایند ارتکاب جرم دانست. بر این اساس ارتکاب جرائم تجاری را باید در وهله نخست اقداماتی علیه منافع مشروع شخص یا اشخاص معینی دانست که از وقوع جرم به طور مستقیم آسیب دیده‌اند. توضیح آنکه نوع و میزان بزه دیدگی اشخاص از جرائم می‌تواند به نحو مستقیم یا غیرمستقیم تحقق یابد. هرگاه بزه دیده جرمی به نحو مستقیم وقوع آن را در امور مرتبط با خود حس کرده و از آن متضرر شود می‌توان در این مورد سخن از وجود بزه دیده مستقیم به میان آورد. برای نمونه هرگاه سارقی مبادرت به سرقت اموال شخص معینی کند به دلیل محروم کردن صاحب مال از مال موضوع سرقت می‌توان مال باخته مذکور را بزه دیده مستقیم قلمداد کرد. از سوی دیگر ارتکاب بسیاری از جرائم ارتباط مستقیمی با حقوق اشخاص معینی نداشته و در وهله نخست عموم جامعه را متضرر می‌کند. در این گونه از جرائم بزه دیدگی اشخاص به عنوان عضوی از جامعه مرتبط با جرم ارتكابی غیرمستقیم بوده و تأثیرگذاری جرم بر ایشان بدون واسطه نبوده و حتی ممکن است بسیاری از اشخاص عضو آن جامعه تأثیر جرم ارتكابی را در زندگی خود احساس نکنند. برای نمونه جعل سند دولتی

برای معافیت از خدمت سربازی در زمان صلح نمی‌تواند تأثیر محسوسی بر منافع اعضای جامعه داشته باشد و بزه‌دیده مستقیمی در این باره متصور نیست (خالقی، ۱۳۹۴: ۳۲).

بررسی مصادیق پراکنده جرائم تجاری در قوانین کشورمان نشان می‌دهد که هدف اولیه از جرم‌انگاری آنها حمایت از منافع مشروع شخص یا اشخاص معینی است که از وقوع جرم تأثیر منفی پذیرفته‌اند. به‌عنوان مثال ارتکاب جرم صدور چک بلامحل از سوی اشخاص، دارنده چک را متضرر کرده و به منافع وی به‌طور مستقیم لطمه وارد می‌کند. از این‌رو ماده (۱۲) قانون صدور چک صرف نظر کردن شاکی از شکایت خود را چه قبل از صدور حکم محکومیت باشد یا پس از آن، موجب موقوفی تعقیب یا توقف اجرای حکم اعلام کرده است. بدیهی است که اتخاذ چنین رویکردی مبنایی جز اعتقاد مقنن به وجود بزه‌دیده مستقیم و انحصاری در رابطه با جرم صدور چک بلامحل نداشته و جرم مدنظر را می‌توان به‌عنوان مصادیقی مهم از جرائم تجاری در ایران قلمداد کرد. این در حالی است که در جرائم اقتصادی چنان‌که خواهیم دید اصل بر وجود بزه‌دیده غیرمستقیم بوده و شکایت یا گذشت بزه‌دیده تأثیری در اصل لزوم تعقیب و مجازات مرتکب جرم ندارد.

پس از بیان مفهوم جرائم تجاری و عناصر آن، جرائم مذکور را از جهات معین با مفهوم جرائم اقتصادی مقایسه کرده و ضمن بررسی مصادیق هر یک از آنها تفکیک بایسته‌ای میان آنها از منظر قوانین کشورمان می‌توان برقرار کرد.

۲. تفکیک جرائم تجاری از جرائم اقتصادی و آثار آن

شناسایی مفهوم جرائم اقتصادی و جرائم تجاری و تفکیک آنها از یکدیگر نیازمند ارزیابی کلی این دو اصطلاح وارداتی است. بررسی تطبیقی موضوع نشان می‌دهد حقوق کیفری تجاری در کنار حقوق کیفری اقتصادی به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از «حقوق کیفری کسب‌وکار»^۱ در حقوق برخی کشورها و از جمله فرانسه محسوب شده و با یکدیگر دارای نقاط اشتراک و افتراق هستند. بر این اساس حقوق کیفری کسب‌وکار شاخه‌ای مستقل از حقوق کیفری است که

به بررسی بزهکاری و تخلفات در روابط کسب و کار شامل فعالیت‌های مالی، تولیدی، توزیعی و مصرف‌کنندگان میان ذی‌نفعان مستقیم و یا غیرمستقیم می‌پردازد (جعفری، ۱۳۹۳: ۲۴). بنابراین می‌توان رابطه منطقی میان حقوق کیفری کسب و کار و این دو شاخه مورد اشاره را از نوع عموم و خصوص مطلق به شمار آورد. مقصود از روابط میان ذی‌نفعان مستقیم و ذی‌نفعان غیرمستقیم در این تعریف به ترتیب عبارت از روابط تجاری و روابط اقتصادی است. نقطه اشتراک جرائم اقتصادی و جرائم تجاری را می‌توان در این نکته برجسته کرد که هر دو در جریان فعالیت‌های مربوط به کسب و کار به وقوع پیوسته و باعث ایجاد آثار نامطلوب می‌شوند. اما آثار برآمده از جرائم مذکور به نحو یکسانی بر بزه‌دیدگان خود تأثیرگذار نبوده، بلکه در دسته‌ای از آنها (جرائم تجاری) به‌طور مستقیم بر بزه‌دیدگان و اشخاص تأثیرگذار است و در دسته دیگر (جرائم اقتصادی) غالباً بزه‌دیده مستقیمی وجود ندارد و بر جامعه تأثیر منفی می‌گذارد.

۲-۱. تفاوت در گستره و آثار جرم‌شناختی

نخستین تفاوت میان جرائم اقتصادی و جرائم تجاری را باید در گستره جرم و آثار جرم‌شناختی برآمده از آنها دانست. درباره جرائم اقتصادی می‌توان گفت که به‌رغم ارتباط این‌گونه از جرائم با مفهوم اموال و دارایی، موضوعی فراتر از مفهوم مال است. توضیح آنکه جرائم مذکور در بسیاری موارد دارای جنبه امنیتی بوده و تهدیدی علیه حاکمیت ملی محسوب می‌شوند. از این رو گستره ارتکاب جرائم اقتصادی از حیطه اموال فراتر رفته و موجب تهدید علیه امنیت و آسایش عمومی از طریق برهم زدن امنیت و آرامش اقتصادی می‌شوند (رستمی، ۱۳۹۷: ۱۵۱). از سوی دیگر جرائم مذکور با وجود زیان بار بودن خود فاقد بزه‌دیده مستقیم و ملموس بوده و موجب ایجاد اختلال در نظام و امنیت اقتصادی می‌شوند. به این ترتیب جرائم اقتصادی در بسیاری موارد فاقد شاکی خصوصی بوده و تعقیب متهمین آنها از وظایف اشخاص و نهادهای عمومی همچون دادستان‌هاست. نگاهی به مصادیق شناخته شده جرائم مذکور در تبصره ماده (۳۶) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و قوانین خاص ناظر بر این جرائم همچون قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی مصوب ۱۳۶۹ می‌تواند اثبات‌کننده ویژگی مورد اشاره باشد.

در سوی دیگر جرائم تجاری قرار دارند که برخلاف جرائم اقتصادی در بیشتر موارد دارای بزه‌دیده مستقیم بوده و منافع شخص یا اشخاص معینی را مورد خدشه قرار می‌دهند. برای نمونه می‌توان به جرائم ارتكابی در شرکت‌های تجاری اشاره کرد که موجب ایجاد وقفه در جریان فعالیت شرکت و در نهایت کاهش سود آن و ضرر شرکا و سهامداران می‌شود. در نمونه‌ای دیگر می‌توان از چک یاد کرد که ارتكاب آنها به‌طور مستقیم موجب تضییع حقوق دارنده شده و وی را از دستیابی به طلب خود محروم می‌کند. باین حال برخی حقوق دانان در بیان فلسفه جرم‌انگاری صدور چک بلامحل وصف جایگزینی چک با پول را مبنا قرار داده‌اند (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۷: ۳۲۸) که چندان نمی‌تواند مقبول باشد زیرا اولاً صدور اسناد تجاری دیگر همچون برات و سفته نیز به‌رغم برخوردار بودن از وصف جایگزینی با پول فاقد جنبه کیفری است (کاویانی، ۱۳۹۳: ۲۰۶)؛ ثانیاً هرگاه فلسفه بنیادین جرم‌انگاری صدور چک بلامحل حمایت از حقوق دارنده نباشد چه دلیلی دارد که تعقیب صادرکننده منوط به شکایت دارنده شده و موقوفی تعقیب وی با گذشت دارنده از شکایت امکان‌پذیر شود. نتیجه آنکه حتی در صورت وجود جنبه عمومی در خصوص مصادیقی نادر از این جرائم، غلبه آثار همواره در رابطه با بزه‌دیدگان معین بوده و موضوع امنیت اقتصادی درباره آنها چندان قابل طرح نیست.

۲-۲. تفاوت در آثار قانونی و فنی حقوق کیفری

ارتباط جرائم اقتصادی با امنیت اقتصادی جامعه موجب شد که همزمان با ورود رسمی این اصطلاح به نظام حقوق کیفری ایران پس از تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲؛ آثار قانونی متعددی نسبت به آنها از سوی قانونگذار در نظر گرفته شود و سیاست کیفری افتراقی در قبال آن اتخاذ شود. این در حالی است که اتخاذ چنین سیاستی در قبال جرائم تجاری به دلیل عدم ارتباط مستقیم آنها با امنیت اقتصادی و غلبه منافع شخصی بزه‌دیدگان مستقیم بر منافع جمعی اشخاص هیچ‌گاه ضروری نبوده است. از این رو می‌توان گفت که برخلاف سیاست افتراقی و سخت‌گیرانه قانونگذار در قبال جرائم اقتصادی، در خصوص جرائم تجاری نیاز و ضرورتی به چنین رویکردی نیست. باین حال عدم ضرورت

اتخاذ سیاست سخت‌گیرانه در قبال جرائم تجاری را نباید به معنای عادی سازی آنها دانسته و از اتخاذ سیاست کیفری ویژه در خصوص آنها غفلت کرد. بررسی قوانین لازم‌الاجرا در نظام حقوقی ایران در قبال جرائم اقتصادی نشان می‌دهد که قانونگذار آثار قانونی قابل توجهی را در خصوص این جرائم لحاظ کرده و سعی در اعمال سخت‌گیری قابل توجهی در رابطه با مرتکبین آنها داشته است. این در حالی است که در قوانین کشورمان به سختی می‌توان رویکرد مشابهی را در خصوص جرائم تجاری ملاحظه کرد. در ادامه از میان آثار قانونی مورد توجه در قبال جرائم اقتصادی به سه مورد مهم آنها می‌پردازیم.

نخستین اثر قانونی جرائم اقتصادی در کشورمان را باید عدم امکان تعویق صدور حکم محکومیت و عدم جواز دادگاه مبنی بر تعلیق اجرای مجازات مرتکب دانست. با اینکه قانونگذار استفاده از راهکارهای «تعویق صدور حکم محکومیت»^۱ و «تعلیق اجرای مجازات مرتکب»^۲ را به عنوان مصادیقی از نهادهای فردی‌کننده و تعدیل‌گر مجازات پذیرفته، برخورداری از راهکارهای مورد اشاره را در رابطه با مرتکبین برخی جرائم خاص به دلیل اهمیت و قبح آنها ممنوع کرده است. آثار مخرب و زیان‌بار جرائم اقتصادی بر امنیت و نظم اقتصادی جامعه، قانونگذار را بر آن داشته است که مرتکبین جرائم مذکور را امتیازات فوق‌محرور کرده و به نوعی در مقام اعمال سخت‌گیری بر آنها برآید (شمس نائری و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۵۱). از این رو براساس بند «ج» ماده (۴۷) قانون مجازات اسلامی، جرائم اقتصادی با موضوع جرم بیش از یکصد میلیون ریال را از شمول جواز تعویق صدور حکم محکومیت و نیز تعلیق اجرای مجازات مستثنا کرده و صدور حکم محکومیت و اجرای مجازات در قبال مرتکبین این جرائم را لازم و حتمی دانسته است که این امر نشان از اراده قانونگذار در اتخاذ سیاست سخت‌گیرانه در قبال جرائم مذکور دارد. پیش از این نیز به موجب تبصره «۵» ماده (۲) قانون مجازات

۱. ماده (۴۰) قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «در جرائم موجب تعزیر درجه ۶ تا ۸ دادگاه می‌تواند پس از احراز مجرمیت متهم با ملاحظه وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم شده است در صورت وجود این شرایط صدور حکم را به مدت ۶ ماه تا دو سال به تعویق اندازد: الف) وجود جهات تخفیف، ب) پیش‌بینی اصلاح مرتکب، پ) جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران، ت) فقدان سابقه کیفری مؤثر».

۲. ماده (۴۶) قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «در جرائم تعزیری درجه سه تا هشت دادگاه می‌تواند در صورت وجود شرایط مقرر برای تعویق صدور حکم، اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را از یک سال تا پنج سال معلق کند...».

اخلالگران در نظام اقتصادی مصوب ۱۳۶۹ عدم جواز تعلیق مجازات‌های مقرر در این قانون مورد تأکید بوده که می‌تواند نشانگر قاطعیت قانونگذار در قبال این جرائم باشد.

دومین اثر قانونی جرائم اقتصادی عبارت است از لزوم انتشار حکم محکومیت مرتکبین آنها در رسانه‌های دیداری و نوشتاری. به نظر می‌رسد الزام فوق را باید در راستای افزایش بازدارندگی مجازات مرتکبین جرائم اقتصادی و آگاهی‌سازی سایر اشخاص و مرتکبین بالقوه این‌گونه جرائم دانست (موذن‌زادگان، ۱۳۹۶: ۷۵). از این رو تبصره ماده (۳۶) قانون مجازات اسلامی در این باره مقرر می‌دارد: «انتشار حکم محکومیت قطعی در جرائم زیر که میزان مال موضوع جرم ارتكابی یک میلیارد ریال یا بیش از آن باشد الزامی است و در رسانه ملی یا یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار منتشر می‌شود: الف) رشا و ارتشا، ب) اختلاس، پ) اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی در صورت تحصیل مال توسط مجرم یا دیگری، ت) مداخله وزرا و نماینده مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری، ث) تبانی در معاملات دولتی، ج) اخذ پورسانت در معاملات خارجی، چ) تعدیات مأموران دولتی نسبت به دولت، ح) جرائم گمرکی، خ) قاچاق کالا و ارز، د) جرائم مالیاتی، ذ) پولشویی، ر) اخلال در نظام اقتصادی کشور، ز) تصرف غیرقانونی در اموال عمومی یا دولتی». توجه به مصادیق مذکور در مقرر فوق نشان می‌دهد که عمده جرائم مورد نظر در رابطه با نظام اقتصادی کلان روی داده و جرائم ارتكابی در نظام تجارت به‌عنوان شاخه‌ای از حقوق خصوصی را دربر نمی‌گیرند. از سوی دیگر ضمانت اجرای مورد بحث درباره هیچ‌یک از جرائم مقرر در قوانین تجاری مورد توجه نبوده و درباره آنها قابلیت اعمال ندارد.

سومین اثر قانونی جرائم اقتصادی را باید وجود محدودیت در شمول مرور زمان دانست. با اینکه قانونگذار در اقدامی بی‌سابقه عمده جرائم تعزیری را مشمول اقسام مختلف مرور زمان اعم از تعقیب، دادرسی و اجرای حکم دانسته،^۱ برخی جرائم را با توجه به اهمیت و ایجاد آثار زیان‌بار غیرقابل اغماض از شمول مرور زمان خارج دانسته و تعقیب مرتکبین آنها و اجرای مجازات تعیین شده را در هر زمانی ممکن اعلام کرده است. از مصادیق

۱. به مواد (۱۰۵ تا ۱۰۷) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ رجوع شود.

مهم جرائم مستثنا شده می‌توان به جرائم اقتصادی اشاره کرد. بر این اساس ماده (۱۰۹) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «جرائم ذیل مشمول مرور زمان تعقیب، صدور حکم و اجرای مجازات نمی‌شوند». سپس در بند «ب» همان ماده مقرر می‌دارد: «جرائم اقتصادی شامل کلاهبرداری و جرائم موضوع تبصره ماده (۳۶) این قانون با رعایت مبلغ مقرر در آن ماده». این محدودیت تحت تأثیر کنوانسیون‌های بین‌المللی مرتبط با جرائم اقتصادی و فراملی برقرار شده و نشان از اهمیت بالای جرائم فوق در نظام اقتصادی کلان دارد. با این حال با توجه به استثنا بودن آن در خصوص سایر جرائم و از جمله جرائم تجاری باید قائل به اجرای اصل شمول مرور زمان بوده و از شدت عمل موجود در قبال آنها احتراز کرد.

۲-۳. تفاوت در آثار کیفرشناختی (شدت و ضعف کیفرها)

تناسب جرم و مجازات به عنوان یکی از موضوعات اصلی علم کیفرشناسی همواره در شناخت جایگاه قانونی جرائم در نظام کیفری مفید فایده بوده و به عنوان نقطه همبستگی حقوق کیفری و کیفرشناسی محسوب می‌شود (صفاری، ۱۳۹۰: ۲۹). موضوع مورد اشاره از چنان کارکردی در شناخت و تحلیل جرائم برخوردار است که به پژوهشگران این عرصه کمک می‌کند که با استفاده از آن به مقایسه اهمیت و آثار جرائم مختلف پرداخته و کیفرانگاری بایسته در قبال هر یک را به عنوان برون‌داد پژوهش خود به قانونگذاران عرضه کنند. مطالعه قوانین حقوقی ایران نشان می‌دهد که معیار مذکور می‌تواند به عنوان مبنایی جهت مقایسه جرائم اقتصادی و جرائم تجاری از حیث کیفرشناختی مورد استفاده قرار گرفته و شناخت تفاوت‌های این دو گروه از جرائم را یکدیگر میسر کند. بر این اساس جرائم اقتصادی با توجه به اینکه امنیت و نظام اقتصادی را هدف قرار داده و به دلیل گستردگی آثار خود فاقد بزه دیده معین است، به طور معمول با کیفرهای سنگینی از سوی قانونگذار همراه شده و عواقب بسیار سنگینی را برای مرتکبین آنها به بار می‌آورد (ابراهیمی و صادق‌نژاد نایینی، ۱۳۹۲: ۱۲۳). این در حالی است که کیفرهای قانونی پیرامون جرائم تجاری با توجه به محدودیت اثر آنها در روابط تجاری اشخاص معین عمدتاً از شدت کمتری برخوردار است. برای نمونه ارتکاب

برخی جرائم اقتصادی در قوانین جزایی کشورمان می‌تواند مجازاتی در حد اعدام نیز برای مرتکبین داشته باشد و در صورت عدم تحقق شرایط اعدام با مجازات‌های سنگینی همچون حبس‌های طولانی مدت و انفصال دائم از خدمات دولتی همراه شود.^۱ این در حالی است که در خصوص هیچ‌یک از جرائم تجاری پیش‌بینی شده در قانون تجارت یا سایر قوانین متفرقه به سختی می‌توان اثری از کیفرهای سنگین موصوف یافت و در عوض کیفرهای تعیینی پیرامون این جرائم بیشتر به جزای نقدی و یا حداکثر حبس‌های کوتاه مدت یا میان مدت محدود می‌شود. از این رو با توجه به تفاوت در میزان و وسعت آثار زیان‌بار ناشی از جرائم اقتصادی و تجاری تفاوت در شدت و ضعف کیفرها امری موجه بوده و به‌عنوان یکی از نفاط تفاوت این دو گروه از جرائم به حساب می‌آید.

پس از تفکیک و مقایسه جرائم اقتصادی و جرائم تجاری لازم است در ادامه ضمن آشنایی با مصادیق مهم جرائم تجاری، موقعیت کنونی این جرائم را در حقوق ایران بررسی و بایسته‌های تقنینی پیرامون جرم‌انگاری آنها را تحلیل کنیم.

۳. بایسته‌های تقنینی جرم‌انگاری جرائم تجاری

در مفهوم نوین «سیاست جنایی»^۲ به‌عنوان شاخه‌ای از علوم جنایی به اقدامات و تدابیری گفته می‌شود که با استفاده از راهکارهای متنوع اعم از اصلاح‌گرایانه و سرکوبگر در صدد مبارزه با رفتارهای مجرمانه برمی‌آید (Garner, 2011: 189). از مصادیق و شاخه‌های سیاست جنایی می‌توان به «سیاست جنایی تقنینی»^۳ اشاره کرد که قلمرو آن به تعیین راهبردهای مبارزه با جرم و تدوین قوانین همسو با راهبردهای موجود مربوط می‌شود (لازرز ۱۳۹۰: ۱۰۶). مشخص است که توفیق سیاست جنایی تقنینی پیرامون هر گروه از جرائم منوط به رعایت بایسته‌ها و استانداردهایی است که برحسب ماهیت جرائم مورد بحث و تجربه‌های نظام

۱. برای نمونه می‌توان به مجازات‌های مقرر در قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی مصوب ۱۳۶۹ و نیز ماده (۲۸۶) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اشاره کرد که ارتکاب جرائم اقتصادی با آثار وسیع اخلاخ در نظام اقتصادی کشور را به‌عنوان افساد فی‌الارض توصیف کرده و مجازات اعدام را برای مرتکبین وضع کرده‌اند.

2. Criminal Policy

3. Legislative Criminal Policy

عدالت کیفری متغیر است. جرائم تجاری نیز به عنوان دسته‌ای تخصصی از جرائم از این قاعده مستثنا نبوده و میزان توفیق سیاستگذاری تقنینی در مواجهه با آنها نیز بسته به الزاماتی است که می‌توانند برگرفته از تجربیات حقوق داخلی و یا ساختارهای اقتصادی و سیاسی جامعه مورد بررسی باشند. نکته قابل ذکر آن است که الزامات و بایسته‌های تقنینی پیرامون جرائم تجاری در بسیاری موارد از بایسته‌های عام جرم‌انگاری در حقوق کیفری تبعیت کرده و از این رو لازم است که مصادیق مختلف جرائم تجاری در رابطه با آنها تحلیل قرار شوند. از سوی دیگر در برخی موارد بایسته‌های تقنینی مورد بحث قرابت ویژه‌ای با ساختارها و نهادهای تجاری دارند که توجه به آنها می‌تواند کیفیت اقدامات تقنینی در مورد جرائم تجاری را افزایش داده و کارایی مورد انتظار را حاصل کند. در ادامه با توجه به ساختار نظام حقوقی و اقتصادی کشورمان الزامات و بایسته‌های تقنینی درباره جرائم تجاری را بررسی و پیشنهادهای مقتضی را بیان می‌کنیم.

۱-۳. واقع‌گرایی و رعایت اصل ضرورت در جرم‌انگاری

از دیدگاه جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان کیفری، بازدهی و کارایی مطلوب جرم‌انگاری اعمال ارتكابی اشخاص در یک جامعه، دست‌کم تابع دو معیار «واقع‌گرایی و ضرورت»^۱ بوده و مسامحه در قبال هر یک از آنها کارایی و مقبولیت قانون را در میان مخاطبان و افراد تحت شمول به شدت کاهش می‌دهد (نجفی ابرندآبادی و هاشم بیگی، ۱۳۹۷: ۹۱). بر این اساس جرم‌انگاری هر رفتاری در قانون منوط به این است که اولاً رفتار جرم‌انگاری شده برآمده از واقعیت‌های میدانی آن جامعه بوده و مقابله با آن برای حفظ ارزش‌های مورد حمایت قانون نیاز باشد. ثانیاً جرم‌انگاری انجام شده باید به عنوان آخرین راهکار برای جلوگیری از رفتارهای ممنوع مدنظر باشد و راهکار و ابزار دیگری برای ممانعت از ارتكاب آن رفتار در دسترس قانونگذار نباشد. نادیده گرفتن دو معیار فوق سبب می‌شود که در مدت معینی تعداد عناوین مجرمانه افزایش و در مقابل میزان پایبندی به قانون در میان

اشخاص به شدت کاهش و در نتیجه کارایی و اعتبار قانون مخدوش شود. بررسی قوانین مرتبط با جرم‌انگاری جرائم تجاری در نظام حقوقی ایران نشان از شکل‌گیری پدیده مذکور دارد که «تورم کیفری» نام دارد. میزان تورم کیفری در قوانین مرتبط با جرائم تجاری در به حدی ملموس شده که فهم و تحلیل تمامی مصادیق این دسته از جرائم از توان بسیاری از حقوق دانان نیز خارج شده است تا چه رسد به مخاطبان و اشخاص تحت شمول قانون که اغلب هیچ اطلاعی در خصوص جرم بودن بسیاری از اعمال خود نداشته و از شرایط تحقق جرائم پیش‌بینی شده بی‌خبرند. بدیهی است که این وضعیت موجب دور شدن قانونگذار از اهداف خود اعم از بازدارندگی جرائم و اصلاح رفتارهای آسیب‌زای اشخاص می‌شود. بنابراین شایسته است که قانونگذاران با لحاظ دو معیار واقع‌گرایی و ضرورت در جرم‌انگاری جرائم تجاری ضمن ارتقای کیفیت و اعتبار قانون به پیشگیری از ارتکاب رفتارهای مخل به تجارت قانونی و سالم کمک کنند. چنان‌که گفته شد توجه به دو معیار مذکور در رابطه با جرائم تجاری در قوانین ایران در برخی موارد از نظر دور داشته شده و با گذشت چندین دهه از تصویب قوانین مرتبط همچون قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ کارایی جرم‌انگاری‌های پیرامون این دسته از جرائم کم شده است؛ به‌گونه‌ای که حجم بالایی از آنها متروک شده و رویه قضایی نیز تمایل چندانی به استناد آنها ندارد. در ادامه به ذکر نمونه‌هایی از نادیده‌انگاری معیارهای واقع‌گرایی و ضرورت در قبال این جرائم می‌پردازیم.

محوریت اصل رقابت در نظام تجارت امروزی موجب شده که نحوه انجام صحیح و قاعده‌مند آن بیش از پیش مورد توجه قانونگذاران قرار گیرد و بهره‌گیری از روش‌های خلاف اخلاق تجاری که از آن به تجارت مکارانه یاد می‌شود مورد جرم‌انگاری و پاسخ‌دهی قاطع قرار گیرد (پاکباز، ۱۳۹۴: ۷۱). مقصود از رقابت مکارانه آن است که تاجری برای انصراف مردم از خرید یا استعمال متاعی مشابه متاع خود به وسیله اسباب چینی یا نسبت‌های کذب یا هر وسیله متقلبانه دیگر به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم تلویحاً یا تصریحاً درصدد معیوب یا نامرغوب جلوه دادن آن متاع برآید (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۷: ۸۸). بررسی واقع‌گرایانه

موضوع نشان می‌دهد که رفتار مورد اشاره به شدت در میان بسیاری از تجار رایج بوده و همواره موجب تضییع حقوق سایر تجار و گاه بی‌رونقی تجارت آنان می‌شود. قانونگذار قبل از انقلاب اسلامی با توجه به معضل مذکور مبادرت به جرم‌انگاری این رفتار در ماده (۲۴۴) قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ کرده و برای مرتکب آن مجازات ۳ تا ۶ ماه حبس و جزای نقدی یا هر دو مجازات را در نظر گرفته بود. با این حال به دلایل نامعلومی عنوان مجرمانه فوق با وجود پیش‌بینی در برخی لوایح قانون مجازات اسلامی همچون لایحه مجازات اسلامی ۱۳۷۰ در متن نهایی قانون جای نگرفته و معضل حقیقی مذکور در قوانین فعلی فاقد عنوان مجرمانه شده است. رویکرد فوق نمونه‌ای از روی‌گردانی قانونگذار از اصل واقع‌گرایی در جرم‌انگاری جرائم تجاری بوده و همان‌گونه که برخی حقوق دانان عنوان کرده‌اند نبود جنبه مجرمانه آن باعث مخدوش شدن سلامت در تجارت و اعتبار حقیقی تجار می‌شود (ستوده تهرانی، ۱۳۹۴: ۱۸۰). بنابراین انتظار می‌رود قانونگذار در تدوین قوانین ناظر بر جرائم تجاری ضمن احیای عنوان مجرمانه مذکور قدم شایسته‌ای در مسیر حمایت از تجارت سالم و قانونی برداشته و واقع‌گرایی در جرم‌انگاری را سرلوحه خود قرار دهد.

در برابر تفریط قانونگذار در جرم‌انگاری جرائم تجاری می‌توان به افراط در جرم‌انگاری و نادیده انگاشتن اصل ضرورت درباره آن اشاره کرد. بررسی قوانین متضمن جرائم تجاری در کشورمان نشان می‌دهد که قانونگذار اقدام به جرم‌انگاری رفتارهایی در میان تجار کرده است که به رغم قبح اخلاقی ضرورتی به جرم‌انگاری آنها نبوده بلکه توسل به راهکارهای غیرکیفری می‌تواند نتیجه و تأثیر بیشتری در راستای جلوگیری از ارتکاب آنها داشته باشد. برای نمونه می‌توان به جرم‌انگاری عمل جلوگیری از حضور دارنده سهام شرکت سهامی در جلسات مجامع عمومی صاحبان سهام اشاره کرد. بر این اساس می‌توان به ماده (۲۵۳) لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ اشاره کرد که در بند «۱» آن مرتکبین عمل مذکور مشمول حبس جنحه‌ای از سه ماه تا یک سال و جزای نقدی یا هر دو مجازات دانسته شده‌اند. جرم‌انگاری عمل مزبور و تعیین مجازات حبس در قبال آن در حالی انجام شده که ابزارهای نظارتی مؤثر دیگری نیز در دسترس قانونگذار بوده و نیازی به جرم‌انگاری عملی با چنین اهمیتی نبوده است. برای نمونه در این باره می‌توان به راهکار

ابطال مصوبات مجامع عمومی در غیاب سهام‌دار منع شده از حضور اشاره کرد که با توجه به دیدگاه ابرازی از سوی حقوق‌دانان در این خصوص قابل اعمال بوده و اثر ساختاری و محسوس‌تری نسبت به مجازات عامل ممانعت دارد (پاسبان، ۱۳۹۱: ۱۶۲).

با توجه به نمونه‌های ذکر شده می‌توان نتیجه گرفت که جرم‌انگاری رفتارهای مخل به تجارت سالم و اعتبار تجار در صورتی باید به‌عنوان یک راهکار نهایی در نظر گرفته شود که راهکار غیرکیفری دیگری در راستای جلوگیری از آن در قوانین نباشد (اصل ضرورت در جرم‌انگاری). همچنین هرگاه ابزار قانونی قابل توجهی پیرامون جلوگیری از رفتارهای آسیب‌زا در نظام تجارت نباشد و واقعیت‌های موجود کارایی جرم‌انگاری آن رفتار را اثبات کرده باشد، نباید تردیدی در لزوم جرم‌انگاری آن روا داشته و براساس واقعیت‌ها به جرم‌انگاری و تعیین کیفر متناسب پرداخت (اصل واقع‌گرایی در جرم‌انگاری).

۲-۳. تدوین قانون منسجم و یکپارچه کیفری

قانون‌نویسی به‌عنوان اقدامی حیاتی در علم حقوق محسوب می‌شود به‌گونه‌ای که بسیاری از حقوق‌دانان وجود و قوام یک نظام حقوقی را وابسته به تدوین قوانین منسجم و استاندارد می‌دانند. از این‌رو حقوق‌دانان و متخصصان امر قانونگذاری اصول و قواعد مفصلی را پیرامون شیوه‌های انجام آن مدنظر قرار می‌دهند. از میان اصول و قواعد مذکور، انسجام و یکپارچگی در امر قانون‌نویسی از اهمیت بسزایی برخوردار است به‌طوری‌که برخی عدم رعایت آن را موجب کاهش کیفیت و کارکرد قانون می‌دانند (بهرامی، ۱۳۹۰: ۳۳). گفتنی است مفهوم انسجام و یکپارچگی در نظام‌های حقوقی مختلف می‌تواند گوناگون و متفاوت باشد. در نظام‌های حقوقی نوشته (رومی - ژرمنی) که قوانین به‌طور مکتوب و در مجموعه‌های مفصل تصویب می‌شوند، مفهوم انسجام، یکپارچگی و اهمیت آن بیشتر جلوه می‌کند. بر این اساس قانون باید به‌گونه‌ای تدوین شود که حتی الامکان همه موضوعات مرتبط با خود را به‌طور یکسان و در یک مجموعه واحد پوشش داده و موجب آگاهی مردم به حقوق و تکالیف خود شود و مفاهیم قانونی کمتر دستخوش تفسیر و تغییر شود (شیروی، ۱۳۸۷: ۲۱۰). اهمیت این رویکرد درباره قوانین کیفری به مراتب بیشتر است. مشخص است که با توجه به موضوع قوانین کیفری اعم از موضوعات ماهوی

(توصیف اعمال مجرمانه و نوع و میزان واکنش در برابر آنها) و موضوعات شکلی (نحوه کشف، تعقیب متهمین و رسیدگی به اتهامات و اجرای احکام صادره) میزان حساسیت بسیار بالا بوده و نبود رویکرد منسجم و یکپارچه در قانون نویسی می تواند عواقب ناگواری در رابطه با حقوق فردی و جمعی اشخاص در پی داشته باشد.

بررسی نظام حقوقی ایران به عنوان نظامی با ساختار برآمده از حقوق نوشته نشان می دهد که رویکرد قانونگذار نسبت به انسجام و یکپارچگی در قانون نویسی موضوعات کیفری چندان مطلوب و قابل دفاع نبوده است. وجود عناوین مجرمانه متعدد در قوانین پراکنده و پرتعداد، میزان «شفافیت» لازم در قانون نویسی و اطلاع رسانی محتوای قوانین به مخاطبان را به شدت تحت تأثیر قرار داده و به جرئت می توان گفت که نه تنها اشخاص فاقد تخصص حقوقی بلکه کمتر حقوق دانی را می توان یافت که از تمامی عناوین مجرمانه و یا حتی وجود قانون متضمن آنها مطلع باشد. بدیهی است که وضعیت مذکور نتیجه ای جز عدم رعایت قوانین و افزایش تعداد «قوانین متروک» را در پی نخواهد داشت. این وضعیت در مورد قوانین متضمن جرم انگاری جرائم تجاری با وضوح بیشتری قابل مشاهده است. بررسی قوانین پراکنده جرائم تجاری نشان می دهد که موضوع اصلی تمامی آنها مربوط به موضوعات غیرکیفری بوده و جرائم تجاری به عنوان فصلی از قانون یا حتی مواد معدودی از آن مورد توجه قانونگذار قرار گرفته اند. برای نمونه می توان به لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ در رابطه با مقررات شرکت های سهامی اشاره کرد که در بخش یازدهم خود در ۲۶ ماده به جرائم ارتكابی در رابطه با این شرکت ها پرداخته و اقدامات ریز و درشتی را جرم انگاری کرده است. همچنین می توان به قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ اشاره کرد که در قالب مواد محدودی به فراخور موضوع خود به جرم انگاری جرائم تجاری پرداخته است. مقررات جزایی مربوط به شرکت های با مسئولیت محدود (ماده ۱۱۵)، سند تجاری برات (ماده ۲۴۸)، دلالی (مواد ۳۴۶ و ۳۴۹) و ورشکستگی (مواد ۵۴۱ الی ۵۵۳) از جمله اقدامات قانونگذار در این راستاست.

1. Transparency

2. Obsolete Acts

در سال‌های اخیر نیز رویکرد فوق از سوی قانونگذار تداوم یافته و جرائم تجاری همچنان در غالب قوانین پراکنده تجاری مورد توجه قانونگذار قرار گرفته‌اند. افزایش تعداد قوانین متفرقه تجاری در سال‌های اخیر نه تنها کمکی به انسجام قانون‌نویسی پیرامون جرائم تجاری نکرده؛ بلکه وضعیت نامطلوب پیشین را هم تشدید کرده است. عمده قوانین مورد اشاره از رویکرد جزئی‌نگرانه رنج برده و گاه در تضاد با سایر قوانین مرتبط با خود نیز قرار می‌گیرند که به طور قطع این امر موجب کاهش اعتبار قوانین در نظر مخاطبان و سردرگمی حقوق دانان، قضات، وکلا و مجریان این قوانین شده است. برای نمونه می‌توان به جرائم علیه اسرار تجاری اشاره کرد که به موجب مواد (۶۴ و ۷۵) قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲ جرم‌انگاری شده‌اند. جزئی‌نگری بیش از حد قانونگذار در این باره موجب شده است که بنا به اذعان متخصصین این حوزه، حمایت کیفری از دارندگان اسرار تجاری از یکسو محدود به اسرار الکترونیکی شود و از سوی دیگر فقط مالکین حقوقی این اسرار و نه مالکین حقیقی آنها را تحت حمایت خود قرار دهد، امری که به شدت نامطلوب بوده و اثر و کارایی قانون را در این زمینه به نحو مشهودی کاهش می‌دهد (رهبری، ۱۳۹۲: ۲۰۲).

تعداد قوانین متفرقه متضمن جرائم تجاری به نحو فزاینده‌ای در حال افزایش است. با گسترش روزافزون حوزه‌های نوین انجام تجارت همچون تجارت الکترونیکی گریزی از جرم‌انگاری‌های جدید وجود ندارد. باین حال تداوم رویکرد پیشین نه تنها کارساز نبوده، بلکه بر ابهامات موجود در این زمینه می‌افزاید. قوانین متعارضی همچون قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ و قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲ می‌تواند نمونه بارزی از وضعیت مورد اشاره باشد، امری که باعث پیچیدگی تحلیل‌های حقوقی در میان حقوق دانان متخصص نیز شده است (عالی‌پور، ۱۳۹۰: ۲۴۶). انتظار می‌رود قانونگذار کشورمان ضمن تجمیع قوانین متضمن جرائم تجاری در قانونی واحد و یکپارچه، انسجام در قانونگذاری را در این باره عینیت بخشیده و به جای تصویب قوانین پراکنده درباره آنها اقدام به اصلاح و به‌روزرسانی قانون کند تا از این رهگذر علاوه بر افزایش کارایی قانون، میزان ابهامات و سردرگمی موجود میان مخاطبان عام قانون و حتی حقوق دانان متخصص به حداقل ممکن کاهش یابد.

۳-۳. به‌روزرسانی مستمر کیفرهای قانونی

تناسب جرم و مجازات به‌عنوان یکی از اصول بنیادین در حقوق کیفری همواره در نظریات نوین جرم‌شناسان و کیفرشناسان مورد توجه بوده است (Heeks, 2018: 19). اهمیت این اصل تا آنجاست که قوانین کلان در بسیاری از نظام‌های حقوقی رعایت آن را در قوانین کیفری به‌عنوان الزامی غیرقابل مسامحه مدنظر قرار داده و بر لزوم رعایت آن تأکید کرده‌اند. نظام حقوقی کشورمان نیز لزوم رعایت اصل تناسب جرم و مجازات را در قوانین کلان و راهبردی مدنظر قرار داده و به آن جنبه راهبردی بخشیده است. برای نمونه می‌توان به بند «ج» ماده (۱۱۳) قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۱۴ اشاره کرد که تأمین اصل تناسب جرم و مجازات را در اجرای سیاست بازنگری در قوانین جزایی به‌عنوان تکلیفی غیرقابل تسامح دانسته و بازنگری در قوانین جزایی را از این منظر الزامی می‌داند.

بررسی قوانین مرتبط با جرائم تجاری در کشور نشان می‌دهد رویکرد کیفرانگاری در خصوص جرائم مذکور با توجه به شرایط اجتماعی و اقتصادی کنونی به دور از اصل تناسب جرم و مجازات بوده و همین امر موجب کاهش کارایی قانون و حتی متروک شدن آن در میان حقوق‌دانان و مراجع قضایی شده است. در این باره وضعیت مجازات جزای نقدی به شدت نامناسب و ناامیدکننده است، به طوری که ارقام قید شده در رابطه با جزای نقدی مرتکبین جرائم تجاری به حدی پایین است که مخاطبان قانون را متعجب می‌کند. به‌عنوان مثال می‌توان به ارقام جزای نقدی مقرر در قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ و لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ اشاره کرد که به دلیل پایین بودن فاحش ارقام جزای نقدی مورد اعتنای اشخاص نیست و مقامات قضایی نیز به استناد آنها تمایل ندارند. بدیهی است با توجه به تورم افسارگسیخته و کاهش ارزش پول ملی تصویب قانون جدید به تنهایی کفایت نمی‌کند؛ زیرا پس از گذشت مدتی نه چندان طولانی معضل مدنظر دوباره سر برآورده و نتیجه حاصله چیزی جز تکرار وضعیت کنونی نخواهد بود. از این رو برای برون‌رفت از این معضل پیشنهاد می‌شود که قانونگذار ضمن تصویب قانون یکپارچه و منسجم جدید، بازنگری در کیفرهای قانونی به ویژه جزای نقدی را متناسب با

نرخ تورم به‌عنوان قاعده و رویه‌ای الزامی در بازه زمانی معین (به‌طور مثال سه یا پنج‌ساله) پیش‌بینی کند و تصویب این امر را برعهده نهادهای مجری قانون از جمله قوه قضائیه با مشارکت نهادهای مربوطه همچون هیئت وزیران قرار دهد تا از این طریق به روزرسانی کیفی‌های تعیینی و به ویژه جزای نقدی فراهم شود.^۱

۳-۴. کیفی‌زدایی و بهره‌گیری از حقوق تنظیمی اقتصادی

چنان‌که گفته شد هدف از جرم‌انگاری جرائم تجاری جلوگیری از ایجاد اختلال در سلامت جریان تجارت و جبران حقوق قانونی تضییع شده اشخاص ذی‌نفع است. بدیهی است که برای رسیدن به اهداف مذکور نیازمند اتخاذ تدابیر متعدد و متکثری فراتر از جرم‌انگاری صرف و واکنش به اعمال مجرمانه با ابزار مجازات است. تعدد و فراوانی جرائم تجاری ایجاب می‌کند که ضمن جرم‌انگاری اعمال مخل به سلامت تجاری از سوی قانونگذار، در خصوص تعدادی از جرائم به کیفی‌زدایی (جرم‌زدایی ناقص) متوسل شد. به‌عبارت دیگر جبران زیان‌های ناشی از جرائم تجاری و بازیابی منافع تجاری از میان رفته نه در گرو مجازات صرف مرتکب، بلکه مستلزم اتخاذ تدابیر غیرکیفری همچون تدابیر اداری و انتظامی و ترمیمی است که در مجموع با عنوان «حقوق تنظیمی اقتصادی»^۲ از آنها یاد می‌شود (Gunningham, 2016: 507).

بر این اساس حقوق تنظیم‌گر می‌کوشد که به جای واکنش در برابر جرم بیشتر بر پیشگیری از صدمات تأکید کند و با ابزارهای کنترلی غیرسرکوبگر خارج از نظام قضایی به رفع آثار برآمده از جرم بپردازد. به‌عبارت دیگر حقوق تنظیم‌گر به‌عنوان روشی برای «قضای‌زدایی»^۳ از برخی جرائم تجاری محسوب می‌شود که با استفاده از ابزارهایی همچون جریمه، لغو مجوز یا پروانه متخلف، لغو و ابطال تصمیمات یا قراردادهای برخلاف قانون، سعی در اعاده وضعیت موجود

۱. نمونه چنین رویکردی را می‌توان در ماده (۲۸) قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ملاحظه کرد. مقرر مذكور بیان می‌دارد: «کلیه مبالغ مذكور در این قانون و سایر قوانین از جمله مجازات نقدی به تناسب نرخ تورم اعلام شده به وسیله بانک مرکزی هر سه سال یک بار به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب هیئت وزیران تعدیل و در مورد احکامی که بعد از آن صادر می‌شود، لازم‌الاجرا می‌شود».

2. Economic Legal Regulation

3. Diversion

به پیش از وقوع جرم داشته و در کنار این تدابیر بازرسی و کنترل نظام تجاری را در اولویت خود قرار می دهد (Croall, 2013: 46).

بدیهی است که تشخیص میزان بهره‌مندی از ابزارهای فوق بسته به نوع و شدت جرائم برعهده قانونگذار بوده و وی می‌تواند در خصوص برخی و نه تمامی جرائم تجاری به جای اتخاذ تدابیر کیفری سرکوبگر ضمن جایگزینی تدابیر حقوق تنظیمی در مقام واکنش برآید. با این حال با توجه به محدودیت در بازدارندگی این تدابیر توسل به آنها در جرائم شدید و مهمی همچون کلاهبرداری‌های تجاری چندان راهگشا نبوده و چاره‌ای جز توسل به ابزارهای کیفری نیست. چنان‌که برخی صاحب‌نظران بیان کرده‌اند، استفاده از حقوق تنظیمی اقتصادی در بسیاری از جرائم تجاری و به ویژه جرائم ارتكابی در شرکت‌های تجاری تأثیر و کاربرد زیادی داشته و توسل به راهکارهای موجود علاوه بر جلوگیری از ورود غیرضروری این‌گونه پرونده‌ها به نظام قضایی پیشگیری از جرائم تجاری و جلوگیری از تکرار آنها را به دنبال خواهد داشت (قورچی بیگی، ۱۳۹۷: ۳۰۳). از این رو لازم است که قانونگذار ضمن اعطای اختیارات تنظیم‌گری به دستگاه‌های نظارتی غیرقضایی به‌طور شفاف در جرائم خرد تجاری، سیاست جنایی مشارکتی در قبال این دسته از جرائم را توسعه و تحکیم بخشد.^۱

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

به‌رغم نیاز مبرم نظام حقوقی ایران به تدوین مقررات تخصصی و روزآمد پیرامون جرائم تجاری به‌گواهی قوانین موجود، وضعیت مطلوبی در این باره مشاهده نمی‌شود. این وضعیت نامطلوب به حدی واضح است که حتی حقوق‌دانان متخصص را در تشخیص مفهوم جرائم تجاری و تفکیک آنها از مفاهیم مشابه و به‌ویژه جرائم اقتصادی به مشقت

۱. تشکیل و فعالیت نهادهایی همچون شورای رقابت، هیئت‌های رسیدگی به تخلفات صنفی، هیئت داوری سازمان بورس اوراق بهادار، سازمان تنظیم مقررات رادیویی، سازمان تعزیرات حکومتی، هیئت‌های انتظامی بانک‌ها و بیمه مرکزی ایران نمونه‌هایی از توسل به راهکارهای موجود در حقوق تنظیم‌گری در ایران است که افزایش کارایی آنها مستلزم شفافیت قانونی در حدود اختیارات هر یک است. امری که در قوانین چندان روشن نبوده و همین امر موجبات آشفتگی در میدان عمل را در پی داشته است.

انداخته است. مصادیق پراکنده جرائم تجاری در قوانین بیشتر قدیمی و غیرکارآمد بوده و عدم تطابق قوانین ناظر بر آنها با مقتضیات اقتصادی و اجتماعی موجب متروک شدن قوانین ذکر شده و در نتیجه کم‌توجهی بیش از حد به این جرائم در نظام قضایی و دانشگاهی کشور شده است. این در حالی است که تجربه کشورهای توسعه یافته نشان از آن دارد که ارتقای کیفیت و سلامت نظام تجاری هر کشور در گرو قوانین و مقررات روزآمد، شفاف و کارآمد بوده و بدون داشتن نظام حقوق کیفری تجاری دست یازیدن به سلامت تجاری و اقتصادی تنها یک آرمان دور از دسترس خواهد بود.

تحلیل قوانین نظام حقوقی کشورمان پیرامون جرائم تجاری به این نتیجه رهنمون می‌شود که در وهله نخست باید مصادیق آن از سوی قانونگذار شفاف شود تا بتوان آنها را از مفاهیم مشابه همچون جرائم اقتصادی تفکیک کرد امری که با توجه به آثار قانونی متفاوت مربوط به هر یک از دو دسته جرائم فوق ضروری به نظر می‌رسد. به نظر نگارنده وجود تفاوت در آثار قانونی و جرم‌شناختی جرائم تجاری و جرائم اقتصادی می‌تواند به عنوان ابزاری برای بیان تعریفی واقع‌گرایانه از جرائم تجاری و تبیین مصادیق آنها مورد استفاده قرار گیرد. توضیح آنکه با توجه به تعیین مصادیق جرائم اقتصادی در قوانین کیفری ایران و به ویژه تبصره ماده (۳۶) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ و با لحاظ این امر که جرائم مورد اشاره بیشتر حقوق دولتی و کلیت نظام اقتصادی را مورد خدشه قرار می‌دهند؛ به قرینه تقابل می‌توان جرائم تجاری را از جرائمی دانست که در حیطه روابط تجاری میان اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی غیردولتی به وقوع پیوسته و منافع تجاری آنان را خدشه دار می‌کند. موضوع مورد اشاره از آنجا ناشی می‌شود که بر حسب موازین حقوق تجارت، منافع دولت و اشخاص وابسته به آن در شمول حقوق تجارت قرار نگرفته و هرگونه اقدام مجرمانه متضمن خدشه به منافع اشخاص دولتی را باید در قالب جرائم اقتصادی تجزیه و تحلیل کرد. از این رو به نظر می‌رسد جرائمی را که ارتکاب آنها باعث لطمه به حقوق دولت به عنوان نماینده جامعه می‌شود؛ باید در چارچوب جرائم اقتصادی قرار داده و جرائمی که منافع خصوصی تجار اعم از حقیقی و حقوقی را در روابط تجاری آنان مورد خدشه قرار می‌دهد با عنوان جرائم تجاری قرار داده و از جهات

مختلف همچون گستره و آثار جرم‌شناختی، آثار قانونی و فنی و برایندهای کیفرشناختی مورد ارزیابی و تحلیل قرار داد. برون‌داد رویکرد کاربردی مورد اشاره می‌تواند ارائه تعریفی مصداق‌محور از جرائم تجاری را همانند آنچه در قبال جرائم اقتصادی در قانون مجازات اسلامی روی داده است از سوی قانونگذار امکان‌پذیر کند.

علاوه بر این اتخاذ هرگونه سیاست تقنینی در قبال جرائم تجاری باید با در نظر گرفتن اصول حاکم بر جرم‌انگاری نوین انجام شود تا از این رهگذر قانون کیفری مصوب از کارایی و مطلوبیت مورد انتظار دور نشود.

بر این اساس پیشنهاد می‌شود:

۱. جرم‌انگاری جرائم تجاری برحسب ضرورت و منطبق با واقعیت‌های موجود در نظام تجاری و اقتصادی کشور انجام شود و به این ترتیب از تورم کیفری بی‌مورد جلوگیری به عمل آید.
 ۲. کلیه جرائم تجاری در حد امکان در یک مجموعه قانونی یکپارچه و منسجم تدوین شود تا علاوه بر جلوگیری از ایجاد تعارض میان قوانین متعدد، رویکرد شفاف و روشنی در قبال آنها اتخاذ شود و امکان بازنگری در قانون با سهولت بیشتری فراهم شود.
 ۳. کیفرهای قانونی و به ویژه کیفرهای سیال و تغییرپذیر همچون جزای نقدی به طور مستمر به روزرسانی شود تا عواملی همچون تورم اقتصادی موجب ناکارآمدی آنها در جامعه نشود.

۴. استفاده از ابزارهای کیفری و سرکوبگر به دلیل آثار نامناسب بر ساختار تجاری تا حد امکان کاهش یابد و محدود به جرائم سنگین و بااهمیت شود. همچنین توصیه می‌شود استفاده از حقوق تنظیمی اقتصادی در بردارنده ابزارهای کنترلی و غیرکیفری (ترمیمی) در خصوص مقابله با جرائم خرد و متوسط تجاری به ویژه جرائم ارتكابی در شرکت‌های تجاری مورد توجه قرار گیرد تا ساختار تجاری آسیب‌دیده از جرائم ارتكابی با سرعت و سهولت بیشتر ترمیم شود.

منابع و مآخذ

۱. ابراهیمی، شهرام و مجید صادق نژاد نایینی (۱۳۹۲). «تحلیل جرم‌شناختی جرائم اقتصادی»، مجله پژوهش حقوق کیفری، دوره ۲، ش ۵.
۲. اسکینی، ربیعا (۱۳۸۷). حقوق تجارت، شرکت‌های تجاری، جلد دوم، چاپ دهم، تهران، انتشارات سمت.
۳. --- (۱۳۹۲). حقوق تجارت، کلیات، معاملات تجاری، تجار و سازماندهی فعالیت تجاری، چاپ هفدهم، تهران، انتشارات سمت.
۴. بهرامی، بهرام (۱۳۹۰). بایسته‌های تفسیر قوانین و قراردادها، چاپ سوم، تهران، انتشارات نگاه بینه.
۵. بهره‌مند، حمید (۱۳۹۷). «جرم اقتصادی در حقوق ایران، از تعریف تا پاسخ‌ها»، مجموعه مقالات برگزیده همایش ملی سیاست جنایی ایران در زمینه جرائم اقتصادی، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
۶. پاسبان، محمدرضا (۱۳۹۱). حقوق شرکت‌های تجاری، چاپ هفتم، تهران، انتشارات سمت.
۷. پاکباز، سیامک (۱۳۹۴). سوءاستفاده از وضعیت اقتصادی مسلط در حقوق رقابت، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
۸. جعفری، امین (۱۳۹۳). حقوق کیفری کسب و کار، چاپ اول، تهران، شهر دانش.
۹. حلبی، علی اصغر (۱۳۷۷). خواندنی‌های ادب پارسی، چاپ اول، تهران، انتشارات اساطیر.
۱۰. خالقی، علی (۱۳۹۴). نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، چاپ چهارم، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی.
۱۱. دمرچیلی، محمد، علی حاتمی و محسن قرایی (۱۳۸۹). حقوق تجارت در نظم حقوقی کنونی، چاپ دوازدهم، تهران، انتشارات دادستان.
۱۲. دهقان دهنوی، محمدعلی و نوروز کهزادی (۱۳۹۴). مبانی علم اقتصاد، چاپ اول، تهران، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.
۱۳. رحمانی، عطالله (۱۳۹۳). حقوق ورشکستگی، چاپ اول، تهران، انتشارات جاودانه.
۱۴. رستمی، هادی (۱۳۹۷). «ماهیت و آثار جرائم اقتصادی در قوانین کیفری ایران»، مجموعه مقالات برگزیده همایش ملی سیاست جنایی ایران در زمینه جرائم اقتصادی، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
۱۵. رهبری، ابراهیم (۱۳۹۲). حقوق اسرار تجاری، چاپ دوم، تهران، انتشارات سمت.
۱۶. زاکانی، نظام‌الدین عبید (۱۳۸۷). رساله دلگشا، چاپ دوم، تهران، انتشارات اساطیر.

۱۷. زرگر، علی (۱۳۹۷). «بررسی جرائم بورسی و اوراق بهادار در قانون جزایی کشور»، فصلنامه الکترونیکی پژوهش‌های حقوقی قانون‌یار، ش ۱.
۱۸. ستوده تهرانی، حسن (۱۳۹۴). حقوق تجارت، جلد اول، چاپ ۳۵، تهران، نشر دادگستر.
۱۹. شمس ناتری، محمدابراهیم و همکاران (۱۳۹۲). قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، جلد اول، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
۲۰. شیروی، عبدالحسین (۱۳۸۷). حقوق تطبیقی، چاپ ششم، تهران، انتشارات سمت.
۲۱. صفاری، علی (۱۳۹۰). کیفرشناسی، چاپ شانزدهم، تهران، انتشارات جنگل.
۲۲. عالی‌پور، حسن (۱۳۹۰). حقوق کیفری فناوری اطلاعات، چاپ اول، تهران، انتشارات خرسندی.
۲۳. قجاوند، محسن و امید شیرزاد (۱۳۹۹). «تحلیل کاربردی عناصر متشکله بزه معامله به قصد فرار از دین در قانون و رویه قضایی ایران»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ش ۳۰.
۲۴. قورچی بیگی، مجید (۱۳۹۷). «پاسخ‌دهی به جرائم اقتصادی، از راهبردهای کیفری تا حقوق تنظیمی اقتصادی»، مجموعه مقالات برگزیده همایش ملی سیاست جنایی ایران در زمینه جرائم اقتصادی، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
۲۵. کاویانی، کورش (۱۳۹۳). حقوق اسناد تجاری، چاپ ششم، تهران، نشر میزان.
۲۶. لازرژ، کریستین (۱۳۹۰). درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دوم، تهران، نشر میزان.
۲۷. میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۸۷). حقوق کیفری اختصاصی، جرائم علیه اموال و مالکیت، چاپ ۲۲، تهران، نشر میزان.
۲۸. موذن‌زادگان، حسنعلی (۱۳۹۶). «انتشار حکم محکومان اقتصادی»، دانشنامه علوم جنایی، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
۲۹. نجفی ابرندآبادی، علی حسین و حمید هاشم بیگی (۱۳۹۷). دانشنامه جرم‌شناسی، چاپ پنجم، تهران، گنج دانش.

30. Croall, Hazel (2013). "Combating Financial Crime: Regulatory Versus Crime Control Approaches", *Journal of Financial Crime*, Vol. 11, NO. 1.

31. Garner, Bryan A. (2011). *Black Law Dictionary*, 4th edition, Thomson Reuters Business.

32. Gunningham, Neil (2016). *Regulation: From Traditional to Cooperative*, Oxford Handbook of White Collar Crime, 5th edition, Oxford University Press.
33. Heeks, Matthew (2018). "The Economic and Social Costs of Crime", *Home Office Reports*, Vol. 12, NO. 2.
34. Sikman, Mile (2013). *Corporate Crime: New Approaches and Future Challenges*, First edition, Northeastern University Press.

